

## نسخه‌شناسی «سیرالعارفین» جمالی دهلوی و شرح نسخه‌ای از آن در کتابخانه برلین

جمالی دهلوی از جمله بزرگ‌ترین سخنوران فارسی زبان هندوستان در اواخر قرن پانزدهم و نیمه اول قرن شانزدهم محسوب می‌شود. اهل تذکره و تحقیق راجع به روزگار و آثار این سخنور ممتاز نظرات مختلفی بیان نموده‌اند که البته این موضوع بحث دیگری است، اما آنچه از محصول قلم جمالی دهلوی تا امروز محفوظ مانده است، اساساً آثار زیر می‌باشد که شرح مختصر هر یکی از این تألیفات به ترتیب ذیل است:

۱. مثنوی «مرآت‌المعانی» نسبتاً مختصر بوده، از ۶۳۹ بیت عبارت می‌باشد. تاریخ سرودن اثر دقیقاً معلوم نمی‌باشد، اما تأمل بر محتوای اثر بازگویی آن است که این مثنوی در مدح و ستایش پیر او، شیخ سماء‌الدین کنبوه به قلم آمده است. در متن مثنوی این تأکید شاعر به مشاهده می‌رسد و از روی آن دقیقاً مشخص می‌گردد که جمالی این اثر را قبل از وفات استادش، یعنی در سال ۱۴۹۵/۹۰۱ به قلم آورده است. از این رو، هرچند سال تألیف مثنوی دقیقاً در تذکره‌ها یا کتب دیگر ذکر نشده است، اما بر پایه دلیل پیوند این اثر به پیر سخنور می‌توان مقرر نمود که سال انشای آن از ایام درگذشت استاد شاعر، یعنی از سال ۱۴۹۵/۹۰۱ نمی‌گذرد.

از نظر موضوع مثنوی «مرآت‌المعانی» را می‌توان در شمول مثنوی‌های عرفانی گذاشت، زیرا علاوه بر سبک جذاب شاعرانه مهم‌ترین مسائل عرفان شرح و تفسیر شده است. به قول نواب محمد حبیب‌الرّحمن شروانی:

”شعر آن پخته، صاف، عارفانه و پاک از حشو و زواید است.“<sup>۱</sup>

---

۱. شروانی، حبیب‌الرّحمن، تصانیف شیخ جمالی، ص ۷۵.

توجه به ساختار و مندرجات مثنوی بشارت از آن می‌دهد که این اثر چون سنت مثنوی سرایی دیرینه ادب فارسی با حمد خداوند و نعت رسول اکرم ص آغاز شده، پس از آن مؤلف به شرح سبب تألیف مثنوی می‌پردازد. خود شاعر مهم‌ترین اهداف انشای مثنوی مذکور را شرح و تفسیر اصطلاحات عرفانی برای اهالی زمان خویش معنی‌داد می‌کند، چون به عقیده جمالی مردم راجع به اصطلاحات عرفانی اطلاعات دقیق ندارند و همین امر باعث شده که آنها در معرفت شعر سخنوران و کلام عارفان عاجز بمانند. از این لحاظ، به شیوه سخنوران صوفی مشرب پیشین او افکار عارفانه خویش و شرح و بست مفاهیم آن را با کاربرد اعضای جسم انسانی و به صورت تمثیل بیان نموده است. از جمله، چنین بیان حال می‌کند:

من که در آینه بنمودم جمال	هست روشن پیش ارباب کمال
آنچه در لوح ازل مسطور گشت	در دل آینه‌ام منظور گشت
هر چه اسباب جمال‌الله بود	در دل آینه‌ام پیدا نمود
داشتم آینه در پیش نظر	تا بینم هر زمان حسن دگر
خاطر من بس که حزن انگیز گشت	خاطر مردم به سویم تیز گشت
هر کسی از بهر آن حسن و جمال	هر زمان از من همی کردی سؤال <sup>۱</sup>

رمز پیوند مثنوی با اصطلاحات عرفانی از اینجا روشن و هویدا می‌شود. زیرا جمالی نخست تمثال خویش را بر آینه رونما می‌کند و اینجا سؤالات مردم به تعبیر خود او «تیز» می‌شود، یعنی از وی پرسیده می‌شود که شرح و تفسیر این یا آن اعضای انسانی، چون زلف و موی و گیسو، روی و چشم و ابرو، دهن و قد و کمر و امثال این از نظر اهل عرفان کدامین معانی مرموز را بیان می‌کند:

گه یکی از زلف پیچیدی به من	گه یکی زان لب همی‌راندی سخن
گه یکی جستی نشان خط و خال	گه یکی زان روی می‌کردی سؤال
گه یکی رمزی ز گیسو خواستی	گه نشان چشم و ابرو خواستی
گه یکی پرسیده از قدش نشان	گه کمر بستی به فکر آن میان

۱. جمالی دهلوی، مرآت‌المعانی، ص ۷-۸.

باز پرسیدی از آن سیب و ذقن	گه یکی کردی حدیث آن دهن
هر کسی بودی ز من در جستجو	گه یکی گفتی که «ساعد چیست، گو!»
راز می‌جستند از جانم مدام	گاه قومی از پی ساقی و جام
در طلب بودند از بهر تمیز	از بت و بتخانه و زَنار نیز
سکر و سهو و قرب و بعد اندر صفا	سرّ صبر و شکر و تسلیم و رضا
با سر خود خویشی و بی‌گانگی	طور شاه‌بازی و دیوانگی
پس مهیا گشتن از بهر وصول	دل مبرّی کردن از ردّ و قبول
کفر و ایمان را یکی پنداشتن	پس نظر بر روی عرفان داشتن
خویش را در بی‌خودی آراستن	از سلامت وز ملامت خواستن
فی‌الحقیقت بود این صدق و طلب <sup>۱</sup>	طالبان را زین نمط هر روز و شب

پرسش‌های اهل عرفان از جمالی در مثنوی محدود بر اعضای انسانی نیست، بلکه گذشته از این تفسیر حالاتی چون سکر و صعب و شکر و تسلیم و رضا، کفر و زَنار و ایمان و امثال این نیز صورت می‌گیرد که متنها در شرح کامل این اصطلاحات عرفانی مثنوی مذکور شکل می‌گیرد:

چون مرا زین‌ها چنین صورت نمود	از حقیقت پرده معنی گُشود
هر چه بود از آشکارا و نهان	اصطلاح عارفان کردم بیان
از رخ معنی حجاب انداختم	آنچه پنهان بود، پیدا ساختم
عین این معنی به جان مستور یافت	هر که او در دیده دل نور یافت
دل که او دائم به معنی مایل است	دیده عرفان برای آن دل است
خامه‌ام شد قفل عرفان را کلید	لاجرم زو گنج عرفان شد پدید
خامه من چون کلید سینه گشت	نامه من بر سر گنجینه گشت
گشت مرآتی که روی حق نمود	نامه را چون روشنایی برفزود
چون معانی کرد حق الهام او	گشت «مرآت‌المعانی» نام او <sup>۲</sup>

۱. مرآت‌المعانی، ص ۸-۹.

۲. همان، ص ۹.

همین گونه، پس از تفسیر هدف تألیف خویش از مثنوی مذکور جمالی آن را بر ۳۱ باب قسمت نموده، هر یکی را در ارتباط به شرح و تفسیر یکی از این اعضا و عواطف روحانی انسانی اختصاص می‌دهد که به ترتیب ذیل قرار دارند:

۱. در بیان رو گوید که عبارت از وجه حقیقی باشد؛
۲. در بیان رخسار گوید که عبارت از وحدانیت باشد؛
۳. در بیان خط گوید که عبارت از برزخ کبریایی باشد؛
۴. در بیان ابرو گوید که عبارت از قاب قوسین باشد؛
۵. در بیان چشم گوید که عبارت از بصارت ازلی باشد؛
۶. در بیان دهان گوید که عبارت از سرّ حقیقی است؛
۷. در بیان لب گوید که عبارت از لطف الهی باشد؛
۸. در بیان زنخدان گوید که عبارت از لطف است قهرآمیز که سالک را از جاه جاویدانی به چاه ظلمانی اندازد؛
۹. در بیان زلف گوید که عبارت از جذبۀ الهی باشد؛
۱۰. در بیان خال گوید که عبارت از نقطۀ روح انسانی باشد؛
۱۱. در بیان گیسو گوید که عبارت از بحث هویت باشد؛
۱۲. در بیان ساعد گوید که عبارت از محض قدرت باشد؛
۱۳. در بیان قامت گوید که عبارت از جامعیت وجود باشد؛
۱۴. در بیان میان گوید که عبارت از برزخ صغری باشد؛
۱۵. در بیان حکایت فی‌المثل مسافر از بغداد؛
۱۶. در بیان تعریف صورت و نکوهش منکران او و معنی انّ الله خلق آدم؛
۱۷. در بیان کفر و نکوهش منکران از عالم لاهوت و معنی انّ الله خلق آدم؛
۱۸. در بیان میخانه و نکوهش منکران عشق و محبت و معنی انّ الله خلق آدم؛
۱۹. در بیان بتخانه و اصناف و زنار و نکوهش منکران عالم جبروت و تجلیات و معنی انّ الله خلق آدم؛
۲۰. در بیان می‌فروش و نکوهش منکران مرشد کامل و معنی انّ الله خلق آدم؛
۲۱. در بیان رندی و نکوهش منکران قطع علایق و معنی انّ الله خلق آدم؛

۲۲. در بیان قلّاش و نکوهش منکران هیچ نوع از تجلیات سیر نگردهد؛
۲۳. در بیان عارف و نکوهش منکران که سرّ رأیت ربّی در بیان اوست؛
۲۴. در بیان شناخت عارفان که از ردّ و قبول خلقش تبدیل و تغییر نباشد؛
۲۵. حکایت دیدن درویش ابلیس را بر در مسجد بیکار نشسته و پرسیدن از بیکاری؛
۲۶. در بیان صبر و درویشی؛
۲۷. در بیان علو مراتب موسی بر خضر گوید؛
۲۸. در بیان ولایت افضل من النّبوت گوید؛
۲۹. در بیان من عرف نفسه فقد عرف ربه گوید؛
۳۰. در بیان معرفت ذات و صفات و اسما و اثر اسما گوید؛
۳۱. در بیان خاتمه کتاب گوید.

یکی از ویژگی‌های مثنوی در آن است که شاعر به تعریف معنی بسنده نمی‌کند، بلکه شرح کامل واژه را مورد نظر قرار می‌دهد و همه وسایل و لوازم آن واژه را فراهم می‌آورد. مثلاً، وقتی که چشم را معنی داد می‌کند، نظر، نور، بینایی، قوه باصره، خواب، مستی، مژگان و یا وقتی که لب را معنی داد می‌کند، دهن، دندان، صدف، مروارید، شیرینی، بوسه، خنده، هنگام بیان قامت خرامیدن، سیر، راست، سربلندی، قدم، سایه، همه را در نظر می‌دارد.

جالب توجه آن است که در شیوه عنوان‌گذاری مؤلف، خواننده به محتوای اصلی عرفانی هر یک از مفاهیم و اصطلاحات مورد نظر در زمان معلومات می‌گیرد و ضمن مطالعه همان قسمت شرح مفصل معنی عرفانی اصطلاح را پیدا می‌نماید. یادآور باید شد که چنین تجربه مثنوی‌سرایی در ادبیات پیشین ما موجود بوده که نمونه‌ای از آن را ما در مثال مثنوی «گلشن راز» محمود شبستری داریم. اما مقام و منزلت مثنوی «مرآت‌المعانی» جمالی دهلوی در ادبیات عرفانی فارس و تاجیک، خاصه ادبیات تصوّفی قلمرو شبه قاره هند مخصوص است که این موضوع پژوهش جداگانه‌ای را خواستار است.

در بعضی فهرست‌های کتابخانه‌های جهان از موجودیت نسخ خطی مثنوی «مرآت‌المعانی» اطلاع داده می‌شود. از جمله، قدیم‌ترین نسخه «مرآت‌المعانی» در خزینه

کتابخانه شیرانی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور تحت شماره ۵۱۵/۳۵۳۹ محفوظ است که آغازش افتاده است.

یک نسخه آن با مهر محمد شاکر خان در ذخیره حبیب گنج محفوظ است.<sup>۱</sup> فزون بر این، سه نسخه دیگر از مثنوی «مرآت المعانی» در خزینه کتابخانه شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور تحت رقم‌های ۳۵۳۹، ۳۶۴۰ و ۳۰۸۴ محفوظ‌اند که در سال‌های ۱۷۷۹، ۱۸۴۵ و ۱۸۷۹ استنساخ گردیده‌اند. نسخه اول شامل ۶۳۹ بیت بوده، نسخه دوم ۳۷۰ بیت و نسخه سوم ۴۴۳ بیت را فرا می‌گیرند.<sup>۲</sup>

در کتابخانه گنج بخش پاکستان نیز نسخه مثنوی «مرآت المعانی» نگهداری می‌شود که این مطلب از روی کتاب «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش» احمد منزوی مشخص می‌گردد.<sup>۳</sup> اما در مورد نسخه‌های چاپی این مثنوی اطلاعات لازمه‌ای در دست نیست و به گمان غالب انتشار آن در شناخت یک مثنوی با روش خاصه انشای آثار عرفانی نقش مؤثر می‌تواند گذارد.

۲. جمالی همچون شاعر صاحب دیوان نیز معروف است. از این رو، از او دیوانی نیز باقی مانده است که یک نسخه ناقص آن در ذخیره حبیب گنج محفوظ می‌باشد. چند صحیفه اول آن نسخه از بین رفته، آخرش نیز نامکمل به نظر می‌رسد. قسمت اساسی نسخه مذکور را قصاید شاعر به وجود آورده‌اند. دیوان از ۳۹ قصیده عبارت بوده، آنها را از روی مضمون و محتوا می‌توان به ترتیب ذیل تصنیف نمود: ۳ قصیده در حمد، ۵ قصیده در نعت، ۱۲ قصیده در مدح پیرش شیخ سماء الدین، ۷ قصیده در مدح سلطان سکندر لودی، ۶ قصیده در مدح ظهیرالدین محمد بابر پادشاه و ۶ قصیده در مدح همایون پادشاه.

همچنین، در نسخه مذکور دیوان ۲ ترجیع‌بند (نعتیه و عارفانه) و ۶ ترکیب‌بند نیز جای داده شده‌اند. دو ترجیع‌بند در سوگ پسر پیرش به قلم آمده، از چهار عدد

۱. راشدی، سید حسام الدین، مقدمه مثنوی «مهر و ماه» جمالی دهلوی، ص ۷۹.

۲. مقدمه مثنوی «مهر و ماه» جمالی دهلوی، ۷۹-۸۰.

۳. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، ج ۳، ص ۱۸۰۶.

باقی‌مانده آنها ستایش به عنوان مرثیه‌ها در سوگ سلطان سکندر، پسرش حسن، شیخ سماء‌الدین و یک عدد ترکیب‌بند مشروح مسائل مختلف عرفانی انشا شده‌اند. دیوان جمالی اصلاً با همین ترکیب‌بند عارفانه که ناتمام است، به پایان می‌رسد. جالب آن است که دیوان جمالی فراگیر غزلیات، قطعات، مثنویات و یا رباعیات نمی‌باشد و با نظر داشت افضلیت قصاید در آن بیشتر همچون دیوان قصاید معروفیت می‌تواند داشته باشد. دکتر راشدی حجم عمومی اشعار دیوان جمالی را حدود ۲۱۰۰ بیت مقرر نموده است.<sup>۱</sup>

از این دیوان جمالی یک نسخه دیگر در کتابخانه دولتی رامپور هندوستان نگهداری می‌شود که تدوین آن پس از وفات شاعر (۱۵۳۸/۹۴۴) توسط یکی از مریدان و پسران او صورت گرفته است. اما تعداد ابیات این نسخه تقریباً به ۸-۹ هزار بیت می‌رسد.<sup>۲</sup> وابسته به این مقررات که آن را سید حسام‌الدین راشدی هم نقل نموده است، اگر «دیوان او مشتمل بر هشت و نه هزار بیت است» گفتن عبدالقادر بدایونی را به اعتبار گیریم<sup>۳</sup>، نسخه تقریباً کامل دیوان شاعر همین باید باشد که این نکته را حبیب الرحمن خان شروانی<sup>۴</sup> نیز تأیید نموده است و به نظر ما نیز این نکته به حقیقت راست می‌آید.

دیوان مذکور از ۳۷ قصیده، ۲ ترجیع‌بند، ۵ مرثیه، ۸۲۱ غزل، ۷۱ قطعه، ۴ مثنوی خرد و ۴۴ رباعی عبارت می‌باشد. از روی این دیوان معلوم می‌شود که جمالی در غزل‌سرایی مهارت تمام داشته، تعداد زیاد اشعار این دیوان او را همانا غزلیات تشکیل می‌دهند. با تکیه بر این مطلب می‌توان تخمین نمود که نسخه اولی مذکور را شاید کاتبی تهیه نموده باشد که بیشتر به قصاید جمالی توجه داشته است و خواستار معرفی دیوان قصایدی از شاعر بوده باشد. هرآینه، در مقابله و قیاس مورد پژوهش قرار دادن هر دو نسخه دیوان می‌تواند برابر در تعیین تعداد دقیق و متن کامل دیوان شاعر نقش مؤثر گذاشته، مقام این سخنور را در تشکّل غزل‌سرایی و قصیده‌گویی در شعر فارس و تاجیک بیان نماید.

۱. مقدمه مثنوی «مهر و ماه» جمالی دهلوی، ۸۰-۸۱.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. عبدالقادر بدایونی، منتخب‌التواریخ، جلد ۱، ص ۳۲۶.

۴. تصانیف شیخ جمالی، ص ۷۶.

پژوهش‌گر نامور ادبیات فارسی در هند نذیر احمد ذکر سال برگشت جمالی از سفر حج به دهلی (۱۴۹۲/۸۹۸) و موجودیت قصایدی را که در مدح همایون پادشاه نوشته شده‌اند (۱۵۳۰/۹۳۷)، به اعتبار گرفته، به خلاصه‌ای رسیده است که تدوین دیوان جمالی مدّت دور و دراز تقریباً از سال ۱۴۹۲/۸۹۸ تا سال ۱۵۳۰/۹۳۷ ادامه داشته است.<sup>۱</sup> شاید همین تمدید مدّت تدوین دیوان شاعر موجب ظهور نسخه‌های چندگانه آن گردیده باشد. اما وجود اندیشه‌های اهل تذکره و تاریخ‌نامه‌ها در ذکر جایگاه خاصه جمالی در قصیده‌سرایی و نفوذ معانی و شیوه بیان او در قصاید نسبت به غزلیات شاید عاملی توجّه کاتبین برای تدوین دیوان قصاید او شده باشد. از این رو، هرچند نسخه اصلی دیوان جمالی اساساً از غزلیات عبارت است و سیمای ایجاد او را همچون شاعر غزل‌سرا رونما می‌کند، اما صاحب «اخبارالاکابر» قصیده جمالی را بر غزل ترجیح داده نوشته است: «قصیده او بهتر از غزل و مثنوی است».<sup>۲</sup>

از تحلیل نظرات محققانی، چون حبیب الرحمن شروانی، نذیر احمد و سید حسام‌الدین راشدی نیز می‌توان به این نتیجه رسید که استعداد و مهارت جمالی در سرودن قصیده بیشتر ظاهر گردیده و چنان که گفته آمد، توجّه اهل کتابت را برای به طور جداگانه تدوین نمودن دیوان قصاید وی نفوذ بخشیده است.

یک نسخه دیگر ناقص دیوان جمالی که رئیس احمد نعمانی از موجودیت آن در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره خبر داده است،<sup>۳</sup> با نام «قصاید جمالی دهلوی» ذکر شده.<sup>۴</sup> از روی این معلومات می‌توان تخمین نمود که این نسخه هرچند ناقص است، اما آن بیشتر بر پای موجودیت قصاید شاعر همچون دیوان قصیده‌های او معرفی گردیدست.

۳. در شمار تألیفات جمالی دهلوی مثنوی او «مهر و ماه» نیز از جایگاه خاصه‌ای برخوردار می‌باشد. هرچند از این مثنوی تنها یک نسخه‌ای موجود است، اما

۱. نذیر احمد، خسرو ثانی، جمالی دهلوی، ۷۶؛ مقدمه، مثنوی «مهر و ماه» جمالی دهلوی ۷، ۸۱.

۲. محدث دهلوی، عبدالحق، اخبارالاکابر، ص ۲۲۸.

۳. نعمانی، رئیس احمد، تعلیقات، سحر کاکوروی، منشی محمد حسین، طور معنی، ۳۵۵.

۴. همان، ص ۴۴۰.



به مشاهده می‌رسد که آن در ادامه سنت‌های مثنوی‌سرای عرفانی فارس و تاجیک در زمینه به کار گرفتن مفاهیم و اصطلاحات نجوم به قلم آمده، ضمناً رمز و راز مسائل عرفانی در آن شرح و توضیح یافته‌اند. به طوری که قبلاً تذکر یافت، برخی از فهرست‌نگاران اروپایی، امثال ا. سپرینگر و اته به دلیل تدقیق نکردن سرچشمه‌های ادبی، تاریخی و، پیش از همه، ایجادیات خود جمالی، آثار او را با میراث ادبی شاعر دیگری با همین تخلص مخلوط کرده‌اند و چند کتابی را که به قلم جمالی اردستانی متعلق‌اند، منسوب به قلم جمالی دهلوی دانسته‌اند. عامل اصلی این آمیزش پیش از همه هم عصر بودن هر دو جمالی و با یک تخلص شعر ایجاد نمودن آنها است و همین امر باعث سرزدن اینگونه اشتباهات در نوشتجات فهرست‌نگاران گردیده است. فهرست‌نگاران مذکور جمالی دهلوی را صاحب کتاب‌های دیگری، چون «بیان الحقایق احوال سیدالمرسلین» و «محبوب‌الصادقین» دانسته‌اند. کتاب اول عبارت از ۷ قسمت بوده ولی امروز تنها ۲ قسمت آن باقی مانده است:

۱. «مصباح‌الارواح» (تألیف ۱۴۶۳/۸۶۸)؛

۲. «شرح‌الواصلین» (تألیف ۱۴۷۱/۸۷۶).

«محبوب‌الصادقین» مشتمل بر پنج مثنوی‌ست: «محبوب‌الصادقین»، «مهرالقلوب»، «فرصت‌نامه»، «نصرت‌نامه» و «قدرت‌نامه».

در کتاب‌های مذکور مؤلف از تألیفات دیگرش، چون «روح‌القدس»، «مرآت‌الفقر»، «معلومات»، «هکام»، «نهایت»، «هدایت»، «بدایت»، «فتح‌الابواب»، «مشکات» و «مهرافروز»، «مرآت»، «کنز‌الدقایق»، «میزان‌الحقایق»، «تنبیه‌العارفین»، «مستزاد» و «کشف‌الاسرار» نیز نام برده است.

ظاهراً، کتاب‌های مذکور در بین سال‌های ۸۶۸-۱۴۶۳/۸۷۶-۱۴۷۲ تألیف شده‌اند. صاحب فهرست جمعیت آسیایی بنگاله و ایوانف ضمن ارایه معلومات راجع به آثار جمالی دهلوی به قلم او تعلق داشتن رساله‌های نامبر شده را با چند دلیل انکار نموده است. از جمله:

۱. بین افکار جمالی، مؤلف «سیرالعارفین» و این جمالی فرق از زمین تا آسمان است. این جمالی متفکر مذهبی است و بیشتر آثار مذهبی باید به او تعلق داشته باشد؛

۲. جمالی دهلوی سنی و صوفی از سلسله چشتیه سهروردیه بود، اما این جمالی پیرو مذهب تشیع است؛
۳. جمالی در «سیرالعارفین» تنها به ذکر مشایخ چشتی بسنده کرده است، در حالی که مؤلف این کتابها پیرو مذهب تشیع بود؛
۴. اگر سن جمالی را در موقع فوت او ۸۰ سال فرض کنیم، سال ولادت جمالی ۱۴۵۷/۸۶۲ برمی آید و بنا بر این، در سال ۱۴۶۱/۸۶۶ و ۱۴۷۱/۸۷۶ وی تقریباً سی ساله یا پانزده ساله بود و واضح است که این کتابها را نمی‌شود به او نسبت داد؛
۵. در «اخبارالاخیار» آمده است که جمالی در اوّل جلالی تخلّص می‌کرد. اگر فرض کنیم که جمالی عمر بسیار طولانی داشت و در بین سالهای ۱۴۶۱/۸۶۶ و ۱۴۷۱/۸۷۶ هنوز جوان بود، باز هم تخلّص او در همان وقت باید جلالی باشد. همچنین، نمی‌توان قبول کرد که یک پسر جوانی کتابی فراگیر مسائل دقیق و عمیق تصوّف و فلسفه مذهبی را می‌تواند تألیف کند؛
۶. اگر چنین بشماریم که جمالی ادیب سیرمحصول بود و در بین سالهای ۸۶۶-۱۴۶۱/۸۷۶ تقریباً ۲۶ کتاب تألیف کرده است، چه طور می‌توان باور کرد که در بقیه عمر دور و دراز خود او تنها ۳ کتاب را تألیف نموده باشد!
- از این بحث و بررسی‌ها می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اکثر این آثار فراگیر مسائل مذهبی متعلّق به جمالی دهلوی نبوده، آنان به قلم جمالی دوّم منسوب‌اند. آنچه جمالی دهلوی را معروف و مشهور گردانیده، همانا تذکره «سیرالعارفین» است که نسخه‌های فراوانی از آن در کتابخانه‌های جهان محفوظ است.
- همین طریق، کتابهای دیگری که به قلم جمالی دهلوی نسبت داده شده‌اند، اصلاً از تألیفات جمالی اردستانی (م: ۱۴۷۴/۸۷۹) می‌باشند که از صوفیان و متفکرین بزرگ شیعه مذهب بود. از جمالی دهلوی تنها همین چهار اثر به ما رسیده که مقام تذکره عرفانی «سیرالعارفین» مخصوص است.

---

1. Ivanov W. Concise descriptive catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal, p.283-286.

تذکره «سیرالعارفین» میان سال‌های ۹۳۸-۹۴۱/۱۵۳۲-۱۵۳۵ به نام همایون پادشاه تألیف شده است. بنا به قول سید حسام‌الدین راشدی: «شهرت جمالی در هند بیشتر به علت همین تذکره می‌باشد»<sup>۱</sup>. این تذکره در بیان سرگذشت و کرامات و مقامات ۱۳ تن مشایخ به قلم آمده است که همگی شیخان معروف طریقت چشتیه می‌باشند. از جمله:

۱. حضرت شیخ معین‌الدین چشتی (اجمیر)؛
۲. حضرت شیخ بهاء‌الدین زکریا (مولتان)؛ مؤسس سلسله سهروردیان مولتان است؛
۳. حضرت شیخ قطب‌الدین بختیار کاکي؛
۴. حضرت شیخ فریدالدین گنج‌شکر؛
۵. حضرت شیخ صدرالدین عارف (مولتان)؛
۶. حضرت شیخ نظام‌الدین اولیا؛
۷. حضرت شیخ رکن‌الدین ابوالفتح (مولتان)؛
۸. حضرت شیخ نجیب‌الدین متوکل؛
۹. حضرت شیخ حمیدالدین ناگوری؛
۱۰. حضرت شیخ جلال‌الدین تبریزی؛
۱۱. حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلوی؛
۱۲. حضرت شیخ جلال‌الدین مخدوم جهانیان؛
۱۳. حضرت شیخ سماع‌الدین کنبوه (دهلی).

ماه سپتامبر سال جاری (۲۰۱۴) از روی برنامه ده‌اد (جمهوری فدرال آلمان) مدت یک ماه در کتابخانه دولتی برلین دوره مطالعاتی داشتم. در ذخیره شعبه دستنویس‌های شرقی کتابخانه دولتی برلین نسخه «سیرالعارفین»، را جستجو کردم. در این نسخه که تحت شماره ۵۹۰ محفوظ است، ذکر ۱۳ تن از اولیای کرام به ترتیب ذیل آمده:

۱. حضرت قطب‌الدین والاولیا خواجه معین‌الدین حسن سجزی (۴ الف-۱۳ ب)؛
۲. حضرت شیخ‌المشایخ بدرالدین موینه دوز خجندی (۱۳ ب-۱۵ الف)؛
۳. حضرت شیخ‌المشایخ شیخ بهاء‌الدین زکریا قدس سره (۱۵ الف-۴۰ الف)؛

۱. مقدمه مثنوی «مهر و ماه» جمالی دهلوی، ص ۹۸.

۴. حضرت شیخ المشایخ خواجه قطب الدین بختیار کاکای (۴۰ الف-۵۳ الف)؛
۵. حضرت شیخ المشایخ فریدالدین مسعود اجودهنی (۵۳ الف-۷۹ ب)؛
۶. حضرت سلطان المشایخ شیخ صدرالدین عارف (۷۹ ب-۹۱ ب)؛
۷. حضرت سلطان الاولیا شیخ نظام الدین اولیا (۹۱ ب-۱۱۸ الف)؛
۸. حضرت شیخ المشایخ شیخ رکن الدین ابوالفتح (۱۱۸ الف-۱۲۴ ب)؛
۹. حضرت شیخ المشایخ حمیدالدین ناگوری قدس سره (۱۲۴ ب-۱۳۰ ب)؛
۱۰. حضرت شیخ المشایخ نجیب المتوکل قدس سره (۱۳۰ ب-۱۳۵ الف)؛
۱۱. حضرت شیخ المشایخ جلال الدین ابوالقاسم تبریزی قدس سره (۱۳۵ الف-۱۴۲ ب)؛
۱۲. حضرت شیخ المشایخ شیخ نصیرالدین محمود ادهر (۱۴۲ ب-۱۴۶ ب)؛
۱۳. حضرت شیخ المشایخ سید جلال بخاری المعروف به مخدوم جهانیان قدس سره (۱۴۶ ب-۱۵۹ ب).

لازم به تذکر است که بین نسخه قلمی محفوظ در کتابخانه برلین و تذکره «سیرالعارفین» که در دهلی در سال ۱۳۱۱/۱۸۹۴ به نشر رسیده است (سید حسام الدین راشدی، ۹۸-۹۹)، در ذکر معلومات راجع به مشایخ تفاوت وجود دارد. از جمله، نسخه موجود در کتابخانه برلین با خواجه معین الدین چشتی آغاز یافته، با سید جلال بخاری معروف به مخدوم جهانیان به اتمام می رسد. در نسخه منتشر شده از دهلی تفاوت در ذکر احوال و کشف و کرامات تنها ۱ نفر به نظر می رسد. در نسخه کتابخانه برلین ذکر شیخ بدرالدین مویینه دوز خجندی آمده است. بر اساس نسخه مذکور معلوم می شود که در قطار مشایخ معروف هند جمالی به روزگار و خارقه های صوفیانه بدرالدین مویینه دوز خجندی توجه ظاهر نموده است که اصلاً خانواده ایشان از خجند ماوراءالنهر برخاسته، به هند سفر کرده اند. هرچند تاریخ دقیق مسافرت خانواده این شیخان خجندی معلوم نیست، اما جمالی خود با میراث بران او که همانا طریقت صوفیانه پدرشان را در هند ادامه داده اند، ملاقات نموده است و از حال و هوای عارفانه ایشان در تذکره سخن کرده است.

اما به طوری که ذکر نمودیم، نام شیخ بدرالدین مویینه دوز خجندی را در نسخه به نشر رسیده دچار نمی‌آییم. به جای او سخن از شرح حال حضرت شیخ سماءالدین کنبوه می‌رود که این بحث دیگر است.

به هر حال، مطابق بر شیوه تألیف تذکره‌های عرفانی جمالی در «سیرالعارفین» با آوردن شرح حال مختصر ۱۳ از نفر مشایخ معروف کشور هند اکتفا نموده، اکثر کشف و کرامات ایشان را شرح و تفسیر نموده است. طبق روش قدیم سال وقوع حوادث را نقل نکرده است. همچنین، در بعضی موارد مؤلف تذکره مشاهدات و تجربیات خود را از سفر بیان نموده است که به تصویر وضع علمی و اجتماعی آن دوره کمک می‌رساند. جمالی در طول مسافرت خود چندین مقبره را زیارت نموده و با چندین نفر از مشاهیر علمی و مشایخ معروف شهرهای مختلف ملاقات کرده و درباره آنها نظر خویش را اظهار نموده است. خاصه، معلومات او راجع به حیات و افکار شیخ سماءالدین که بر اساس اطلاعات و مشاهدات شخصی جمالی به قلم آمده است، اهمیت سرچشمه‌ای را دارا می‌باشد.

جمالی در جریان تألیف تذکره از «تاریخ فیروزشاهی» ضیاءالدین برنی، «فوائدالغواد» حسن سجزی، «خیرالمجالس» نصیرالدین چراغ دهلوی، «طرب‌المجالس» امیر حسین سادات، «تذکره‌الاولیا» سید خرد مبارک کرمانی، «خزانة جلالی» و «منابع قطبی» جهان‌گشت استفاده برده است. ضمناً در عین ذکر معلومات اشاراتی بر این نکات می‌کند که این امر تأکید می‌کند که این کتب سرچشمه‌های کتاب «سیرالعارفین» بوده است. جمالی تذکره را به نام همایون پادشاه عنوان کرده است. از بس که وفات جمالی در سال ۱۵۳۶/۹۴۲ اتفاق افتاده است، بنا بر این، تألیف کتاب باید پس از ۱۵۳۰/۹۳۸ و قبل از ۱۵۳۵/۹۴۱ صورت گرفته باشد.

به طوری که تأکید گردید و از معلومات فهرست‌نگاران روشن می‌گردد نسخه‌های زیادی از «سیرالعارفین» در کتابخانه‌های جهان باقی مانده‌اند. از جمله، در موزه بریتانیا،

- 
1. Rieu Charles, Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, London, Vol. I, p. 354; Meredith-owens G.H. Handlist of Persian manuscripts 1895-1966 British Museum, p. 20 .

جمعیت آسیایی بنگاله<sup>۱</sup> و کتابخانه شاهان اوده<sup>۲</sup> یک نسخه از «سیرالعارفین» موجودند که همگی ارزش و اهمیت زیاد علمی را صاحب می‌باشند.

محمد اشرف از محفوظ بودن ۲ نسخه «سیرالعارفین» خبر داده است که در سال ۱۶۷۴ در شاهجهان‌آباد استنساخ شده و تحت رقم‌های ۴۸۹ و ۴۹۰ در موزه سالارجنگ واقع در حیدرآباد نگهداری می‌شوند.<sup>۳</sup> همزمان، راجع به یک نسخه دیگر «سیرالعارفین» که در سال ۱۷۸۸/۱۲۰۲ کتابت شده در خدابخش اطلاع داده است.<sup>۴</sup>

از روی معلومات دانشمند شهیر پاکستانی سید عارف نوشاهی ۲ نسخه دیگر «سیرالعارفین» در موزه ملی پاکستان نیز موجودند<sup>۵</sup> که آموزش و تصحیح و بررسی آنان نیز قابل ملاحظه می‌باشد. در کنار این، احمد منزوی درباره ۲ نسخه دیگر تذکره در کتابخانه نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه آرشیو پتیاله (پنجاب هندوستان) اطلاع می‌دهد که این امر نیز به نفوذ نسخه‌های خطی تذکره در کتابخانه‌های شبه قاره تأکید می‌ورزد.<sup>۶</sup>

هرمان اته از ۳ نسخه کتاب مذکور (تحت شماره ۱۳۱۳ و ۱۷۵۱ و ۹۳۹) در کتابخانه اندیا آفیس خبر داده است<sup>۷</sup> که یکی از این نسخه‌ها در سال ۱۶۳۴/۱۰۴۳ استنساخ شده است.

- 
1. Ivanov W, Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal, p. 75.
  2. Sprenger A, A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oudh, 1979, p. 446.
  3. Ashraf, Muhammad. A concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Salar Jung Museum and Library, Hyderabad, V. 2, p. 24-25.
  4. Khudobakhsh. Mahbub-al-albab fi ta'rif al kutub wal-kitob, Hyderabad, 1896, p. 347.
  5. Naushahi, Arif. Catalogue of the Persian Manuscripts in the National Museum of Pakistan at Karachi, Islamabad, 1983, p. 782.
  ۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، ج ۳، اسلام‌آباد، ۱۹۸۰، ص ۵۵۶-۵۵۸.
  7. Ethe H., Catalogue of Persian, Turkish, Hindustani Manuscripts in the badlian Library, p. 263-265.

در کتابخانه برلین دو نسخه آن نگهداری می‌شود که یکی از آنها در سال ۱۶۷۵/۱۰۸۵ در لاهور استنساخ شده، اما نام کاتب معلوم نیست. از روی مطالعه نسخه دوم معلوم شد که کاتب آن، عطاءالله اسکندری نامی بوده است. اما راجع به زمان کتابت و اصل و نسب و شخصیت کاتب معلومات دقیقی تذکر نیافته است و از اینجا نمی‌توان سال دقیق کتابت آن را مشخص نمود.

با این همه امکان دارد که نسخه اول را از روی دسترسی چنین توصیف نماییم. نسخه دارای مقوای سیاه چرمین با اندازه ۲۱۱۴ ص.م. بوده، توسط خط شکسته کتابت شده است. مجموعاً از ۱۵۹ ورق عبارت بوده، هر صحیفه آن دارای ۱۷ سطر می‌باشد. طوری که تأکید گردید، این نسخه در لهار و از روی معلومات در صحیفه نهایی نسخه آمده آن ۷ شعبان ۱۰۸۵ = به ۶ نوامبر ۱۶۷۴ کتابت شده است. نسخه اصلاً با رنگ سیاه کتابت شده، عنوان‌های آن به خط سرخ نوشته شده‌اند. حالت ظاهری آن نیز چندان موافق مطلب نیست، زیرا جا به جا کرم‌خورده، و نم‌کشیده، احتیاج به حفاظت دارد. گاهی حالت‌های دشوارخوانی بر اثر ضربه دیدن نسخه نیز به مشاهده می‌رسد که از جمله آخر صحیفه ۴۲ الف بر اثر چنین خراب‌شدگی خوانده نمی‌شود.

به جز نسخه‌های خطی تذکره، نشر یگانه آن هم موجود است که در سال ۱۸۹۴/۱۳۱۱ در مطبعه رضوی دهلوی با اهتمام سعید حسن صورت گرفته است. توجه اهل تحقیق برای نشر تذکره مذکور گواه بر آن است که کوشش تحقیق و بررسی آن و جایگاهش در تذکره‌نویسی عرفانی در قلمرو شبه قاره آغاز یافته است و خود نشر کتاب مذکور اقدامی شایان برای معرفت بیشتر ارزش و جایگاه ادبی و عرفانی آن به شمار می‌آید.

به همین طریق، موجودیت نسخه‌های کتاب در نوبت اول بیانگر آن هستند که واقعاً این اثر میان مردم مناطق مختلف، از جمله خود شبه قاره محبوبیت تمامی داشته است. توجه اهل تحقیق و سخنوران و دانشوران به آن هرچند از آغاز کارهای تصحیح و نشر و معرفی کتاب پیام می‌رساند، اما دسترسی به نسخه‌های نو به نو کتاب تقاضای آن را می‌کند که در نوبت اول ضرورت کار تصحیح نسخه‌های علمی، انتقادی تذکره چه در تاجیکستان و چه دیگر کشورهای فارسی زبان هم با خط فارسی و خط سیریلیک پیش

آمده است و باور کامل داریم که با فراهم آمدن شرایط نشر و بعداً تحقیق و بررسی این اثر به شایستگی صورت خواهد گرفت.

### منابع

۱. جمالی دهلوی، مرآت المعانی، مقدمه و تصحیح سیده بلقیس فاطمه حسینی، بمبئی، ۲۰۰۲.
۲. راشدی، سید حسام‌الدین، مقدمه مثنوی «مهر و ماه» جمالی دهلوی، راولپندی، پاکستان، ۱۹۷۴.
۳. شروانی، حبیب‌الرحمن، تصانیف شیخ جمالی، آریتل کالج میگزین، آگوست ۱۹۳۴.
۴. عبدالقادر بدایونی، منتخب‌التواریخ (۳ مجلد)، کلکتہ، ۱۸۶۹.
۵. محدث دهلوی، عبدالحق، اخبارالانخبار، دهلوی، ۱۳۳۲.
۶. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارس کتابخانه‌های عمومی و آرشیو پتیاله، شماره ۳، دهلوی، ۱۹۹۹.
۷. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، ج ۳، اسلام‌آباد، ۱۹۸۰.
۸. نذیر احمد، خسرو ثانی - جمالی دهلوی، اردو ادب، علی‌گره، ژانویه، سپتامبر ۱۹۵۴.
۹. نعمانی، رئیس احمد، تعلیقات سحر کاکوروی، منشی محمد حسین، طور معنی، مقدمه و تصحیح و تعلیق (بر مبنای نسخه خطی منحصر به فرد) رئیس احمد نعمانی، دهلوی ۲۰۰۷.
10. Ashraf, Muhammad. A concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Salar Jung Museum and Library, Hyderabad, V. 2, 1966.
11. Ethe H. Catalogue of Persian, Turkish, Hindustani Manuscripts in the badlian Library, Oxford, Part II.
12. Ivanov W. Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1924.
13. Khudobakhsh. Mahbub-al-albab fi ta'rif al kutub wal-kitob, Hyderabad, 1896.
14. Meredith-owens G.H. Handlist of Persian manuscripts 1895-1966 British Museum.
15. Naushahi, Arif. Catalogue of the Persian Manuscripts in the National Museum of Pakistan at Karachi, Islamabad, 1983.



16. Rieu Charles. Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, London, Vol. I, 1879.
17. Sprenger A. A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oudh, Vol. I, Containing Persian and Hindustany Poetry, Reprint of the Edition Calcutta, 1934, Biblio Verlag, Osnabrock, 1979.